



۱۹ دسمبر ۲۰۱۵



داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُنر

(قسمت هفتم)

2. تغییر و تبدیل و تصفیه مأمورین عالیرتبه اداری

هاشم خان و سردار داؤد خان در دوران مصروفیات شان در ولایت مشرقی با مأمورین دولتی به شمول مأمورین عالیرتبه برخورد بسیار خشن و توهین آمیز داشته و تاب تحمل آنهایی را نداشتند که در تطبیق خشونتبار پلانهای خاندان حاکم از شدت و خشونت آن دوسردار پیروی نمیکردند. درین جا یکی دو نمونه از خاطرات جنرال میراحمد خان مولائی را ذکر میکنیم که در پست قوماندان فرقه مشرقی با هر دو سردار ارتباط کاری بسیار نزدیک داشت¹:

در برج قوس، سردار محمدهاشم خان، اولین بار از سرک تنگی ابریشمین، جلال آباد آمدند. قطعات عسکری و اهالی و مأمورین به جنگل باغ، شمال ششم باغ، که یک میدانی بود، محل تجمع قرار داده شد. من و نایب الحکومه الی آب ورک که خط فاصل بین ولایت کابل و مشرقی بوده رفتم.

برای نایب الحکومه صاحب فرمودند: چرا تا اینجا آمده اید؟ و این گفتارشان تشددآمیز بود. به هر حال با همه مصافحه کردند، بدون این که یک کلمه حرف بزنند، به موتور سوار شدند حرکت کردند. در حد کچ، عزیز خان یا یک جم فقیری از اهالی لغمان یا حکمران و مأمورین استقبال کردند و گل ها پاشیدند. سیدخیلر کاتب تحریر حکومت کلاله، یک دسته گل جمعری با شوزه های آن را

می خواست بالای سرشان بیندازد، تقریباً به پس گردن صدراعظم به شدت اصابت کرد. در این جا صدراعظم بسیار عصبی شد. کلمات زشت و سخت گفتند. به نایب الحکومه گفت: از این که به آب ورک آمده بودی همان جا بودید، انتظام می کردی، نمی گذاشتی عوض گل مرا به ساچمه استقبال کنند. بعد از آن بالای عبدالخالق خان، حکمران، فهر شد و گفت تمام چیزهایی که می کنید خبر دارم، همه چیز در محل تفیش و بازرسی قرار داده می شود!

1. جلد دوم، صفحات ۴۷۰ و ۴۷۱.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

دیری نگذشت که حکمران لغمان نتیجه گستاخی استقبال با گل های جعفری را دیده از وظیفه سبکدوش و روانه زندان شود.

تصفیه مامورین شامل موارد ذیل نیز بود:

- دستگیری کندکشر غلام حیدر خان از اداره پولیس جلال آباد
- برطرفی سراج الدین خان حکمران کنر ها و تقرر سید عباس پاچا از چهارباغ لغمان بحیث حاکم کلان جدید کنرها
- سبکدوشی حاکم سرخرو از وظیفه و تقرر سید ابرار بحیث حاکم جدید
- برطرفی سرحدار عبدالغفار خان از سرحداری «دکه» و بعداز مدتی فرستادنش به زندان دهمزنگ
- برکناری عبدالرزاق خان (پدر داکتر عبدالصمد خان حامد) از پست ولایت و تقرر عبدالله خان وردک حاکم کلان شینوار بحیث والی جدید سمت مشرقی

در پهلوی این تصفیه در تشکیلات اداری نیز تغییر و تبدیلاتی رخ داد:

- حکومتی های خوگیانی و سرخرو تحت اداره یک حکومتی کلان (حکمرانی) قرار گرفتند
- لغمان، نورستان و کنر پایان تا شیوه هم در تشکیلات یک حکمرانی درآمدند
- بدین ترتیب، سمت مشرقی درین وقت شامل چهار حکومتی کلان بود:
 1. کنر و اسمار
 2. لغمان (شامل شیوه، شگه و نورستان)
 3. خوگیانی و سرخرو
 4. شینوار

درین جا خالی از دلچسپی نخواهد بود تا یک نمونه دیگر برخوردار هاشم خان را هم درین جا ذکر کنیم . این رویداد سئوژن هاشم خان در دوران بازدید از غنی خیل شینوار بوده و جریان ازین قرار بود که سردار هاشم خان به همراهی نائب الحکومه عبدالرزاق خان و قوماندان فرقه برای بازدید از قشله عسکری و ملاقات با بزرگان شینوار به غنی خیل میروید. در آنجا صدراعظم با مردم شینوار که با بیرق ها و دهل ها به سرکردگی ملکان و خوانین، تحت هدایت عبدالله خان وردک که در ابتدا ایستاده بود، احوال پرسسی نموده و بعد از قبولی رسم احترام قطعاً عسکری ، رسم گذشت و معاینه قشله عسکری برای صرف طعام به بام قشله رفته و برای نائب الحکومه میگوید که شصت نفر از خوانین شینوار هم برای نان بیابند. حکمران هر قدر کوشش میکند، شینواری ها شصت نفر بیابند، آنها قبول نمیکنند، تا اینکه خود جنرال میراحمد خان آنها را قناعت داده بالای دسترخوان می آورد. هاشم خان که مراقب این رویه و نفوذ قوماندان فرقه بود و معلومات او راجع به قریه جات منطقه را هم مشاهده نمود، مشکوک میشود. فرقه مشر میراحمد خان راجع به سئوژن هاشم خان و گفت و گوی روز بعدشان چنین مینویسد:

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

بعد از نماز

فرمودند همه رخصت هستید، تنها قوماندان فرقه و داکتر فاروق خان باشند. ما دو نفر بالای میز نان رفتیم. صدراعظم صاحب رو به من کرده گفت: دیروز اسباب تعجب من شد! عرض کردم چه چیزی؟ فرمودند: دیروز احساساتی که از مردم شنوار به مقابل شما دیدم، حتی در مقابل ما برادرها که مدت‌ها به مشرقی کار کرده‌ایم، دیده نشده بود، شما در این قدر مدت کوتاه که تنها به شوق عسکری و وظیفه‌دار هستی، این قدر یا مردم نزدیک و مردم را جلب کرده‌ای! شنواری‌ها به حرف نایب‌الحکومه و حکمران به نان نیامد، تا این که رفتی و آنها را آوردی! و هم قریه‌جات شنوار را نایب‌الحکومه و حکمران خوب نمی‌فهمیدند، همه را تشریحات دادی! گفتیم اگر والا حضرت اجازه بدهند عرض می‌کنم. گفتند بفرمایید.

عرض کردم: من کدام خیال باطل و ادعای شخصی و یا خدای نخواستہ آرزوی محال سلطنت را ندارم. فرمودند این‌ها را می‌دانم. دوم عرض کردم: اگر گمان می‌نمایید من به کدام حزب مخالف دولت پیوسته باشم، نیز مورد ندارد، زیرا حزب مخالف شما اعلیحضرت امان‌الله خان و طرفداران آن می‌باشد، شما می‌دانید و خبر دارید که آمدن اعلیحضرت شهید در خوست و پیوستن ما به ایشان، در حالی که اعلیحضرت امان‌الله خان هنوز در افغانستان، حتی به غزنی رسیده بود، باز هم من یکی از خدمتکاران فعال و از خودگذر مملکت، با اعلیحضرت شهید و وکیل صاحب شاهولی خان و والا حضرت سه‌سالار صاحب، دوش به دوش خدمت می‌کردم. با اعتمادی که امروز حکومت به من دارد و فرقه‌مشو یک سمت مهم افغانستان مقرر نموده، بطور شده می‌تواند که من باز هم به مقابل این لطف و اعتماد، از تمام خدمات گذشته‌ی خود صرف‌نظر نموده، کفران نعمت کنم؟ و یا اگر فکر شود که من به روزهایی که پریشان شدم به مشرقی آمده از مردم سمن بگیرم و پسه جمع کنم، این هم امکان ندارد. اگر آرزوی پول باشد، همین وقت، وقت گرفتن پول است که قدرت دارم، وقتی که قدرت نباشد، آنوقت سلام مرا هم کسی جواب نخواهد داد. پس من به جرأت عرض می‌نمایم که من نمایندگی دولت، و عسکر و ملت مرا به حیث نمایندگی حکومت می‌شناسد. من می‌خواهم که در بین ملت و حکومت یک ارتباط قلبی تأسیس شود. اگر این پیش‌آمد من جزء پروگرام دولت نباشد، به من صریح هدایت دهید. من از آنچه رهنمایی نمایم، سرپیچی ندارم، زیرا من برای شخص خود چیزی نمی‌خواهم. البته به حضور والا حضرت بهتر معلوم است، من در شمالی و جنوبی، هرکجا بوده‌ام به حیث نمایندگی حکومت طوری رفتار کرده‌ام که همه از دولت راضی‌اند. چنانچه شما از گذاردی من در کوه‌ها من پوره معلومات دارید.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

عزیمت هاشم خان به کابل

صدراعظم هاشم خان قبل از عزیمت به کابل علاوه بر همکاری نزدیک استخباراتی و نظامی با انگلیس ها، تقویه و جلب عناصر منتفذ طرفدار انگلیس به حیث رفیق و سهیم سلطنت، تصفیة دستگاه اداری و نصب مامورین وفادار به خاندان حاکم، تبلیغ اندیشه های وفاداری به آل یحیی، دست به یک سلسله اقدامات دیگر هم زد که مهمترین آن اطمینان از اکمالات نیرو های نظامی مشرقی و تصمیم از بین بردن آنعده از سران قومی ای بود که مانع تطبیق پلان های او شمرده میشدند.

فرقه عسکری سمت مشرقی در آنوقت شامل قوت های ذیل نیز بود:

1. یک غند در غنی خیل شینوار
2. یک غند در کمکی خیبر
3. یک غند در اسمار کنر
4. یک کندک در کنر خاص
5. و یک کندک از غند مرکز در کامه

صدراعظم همچنان قبل از عزیمت به کابل «معاش مستمری سالانه علمای دینی را برای تبلیغات به نفع یحیی خیل اضافه نمود»².

صدراعظم هاشم خان بلاخره بتاريخ ۲۶ ماه مارچ از سفر طولانی در سمت مشرقی به کابل برگشته در منطقه بگرامی مورد استقبال معاون صدارت، وزرای خارجه و داخله، سردار محمد داؤد خان قوماندان قوای مرکز و مامورین عالیرتبه دیگر قرار گرفت .

گرفتاری ملک قیس خوگیانی از جمله اولین اقدامات حکومت پس از رفتن هاشم خان به کابل بود. جنرال میر احمد خان مولایی قوماندان فرقه مشرقی در خاطراتش می نویسد که " زمستان به پذیرایی و مهمانداری گذشت . در بهار یک جلال آباد را ترک و به کابل رفتند . عبدالله خان وردک به حیث کفیل نایب الحکومه مقرر شدند . در اول وهله بعد از رفتن صدراعظم صاحب ، ملک فیض [ملک قیس] و برادرانشانرا گرفتار کردند . چنانچه یک شب ، نایب الحکومه صاحب تلفون داد که یک مرتبه به نایب الحکومگی تشریف بیاورید. رفتم . نایب الحکومه به یک اطاق انتظار مرا میکشید . دو بدو نشستیم . گفت وقت کم داریم . نظر به امر صدراعظم صاحب [باید] امشب ملک قیس و برادرانشانرا گرفتار کنم . شما یک کندک آماده کنید که برای ضبط کردن اموال و املاک او با یک هیئت فرستاده میشود و هم یک مرتبه شما ملک قیس و برادران شانرا ببینید . من به نایب الحومه گفتم به این ترتیب که آنها را به مهمانی خواسته اید گرفتار کنید ، باعث بی اعتمادی مردم با دولت میشود . گفت امر مقام است چاره ندارم . من رفتم دیدم ملک قیس و برادرانش همه خوش و خرم نشسته اند . مرا دیدند به گرمی استقبال کردند . چند دقیقه بودم ، رفتم . ملک قیس گفت باشید با ما نان نوش جان کنید . گفتم مهمان دارم . خدا حافظی کرده به قشله رفتم . رئیس ارکان و غند مشر غند ۲ و دیدار علی خان کندکمشر را خواسته ، هدایت دادم . فوری کندک دیدار علی خان مجهز شد . کندک در ظرف دو ساعت

² . راپور شماره ۱۴، مؤرخ هفتم اپریل ۱۹۴۵ استخبارات انگلیس

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

آماده حرکت گردید . نایب الحکومه خودش با محمد شریف خان ، قاضی ابتدائیه ، و عبدقیوم خان ، غند مشر ژندارم به چونی آمده ، گفتند بعد از صرف نان مهمان های خود را طرف کابل حرکت دادم و خودم آمدم که کندک را بطرف هاشم خیل با این دو نفر بفرستم که تمام هستی و املاک ملک قیس و برادران شانرا ضبط و از قید سیاهه بکشند . تمام اهل و عیال شان را به جلال آباد بیاورند . با نایب الحکومه نان را صرف ، شش عراده موتر ذریعه سر مامور آورده شد . هیات با کندک حرکت کرده و با صدراعظم صاحب به کابل حرف زدند . فرمودند خواجه محمد نعیم به سروبی رسیده ، انتظار فرمان امنیه مشرقی را میکشد . ساعت دو بجه تلفون آمد که مهمان ها از طرف قوماندان امنیه مشرقی بدون کدام واقعه ، به قوماندانی امنیه کابل سپرده شد . و به طرف کابل حرکت کردند . بعد نایب الحکومه به طرف منزل خود رفت . بعد از نماز صبح یک اطلاع تلفونی از ماما خیل گرفته شد که کندک به هاشم خیل رسیده ، بدون کدام مقاومت همه قلعه های ملک قیس و برادرانش اشغال شد . غند کمکی خیبر به مرکز خواسته شد . "(صفحات ۴۷۶ و ۴۷۷).

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ